

## How to manage the developments of the societies of the Islamic world using the UNESCO Social Transformation Management Program (MOST)\*\*

Mohammad Reza Majidi <sup>1\*</sup>  
Monira Basirati <sup>2</sup>

Received on: 2019/11/11  
Accepted on: 2020/04/24

### Abstract

The world today is witnessing many issues and challenges that are also affecting Islamic societies. Issues such as the globalization of phenomena, rapid social changes such as the expansion of cities and the development of urbanization, immigration, ethnic and linguistic demands, etc. Climate change and drought are also advancing, with many cultural and social consequences, including numerous issues and challenges. The Islamic world should put these topics on the agenda at the national, regional and inter-regional levels, and in its bilateral and multilateral relations, and welcome them for good management. As in the second principle of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, to achieve the goals of the system, that in addition to ijihad based on the Quran and traditions, the use of human sciences and technologies is emphasized, in this regard due attention should be paid to the experiences of other societies and their civilizational achievements. For more than two decades, the UNESCO Intergovernmental Program for the Management of Social Change has been working as a specialized agency of the United Nations and has pursued various programs at the national, regional and international levels. The National Committee for the Management of Social Change are also formed within the framework of national commissions. Use of this capacity and similar institutions; Like ISISCO, ECO Cultural Institute, etc., and the synergy of balances and experiences can help Islamic societies, especially cultural and social policy makers in the abovementioned direction. In this paper, taking a descriptive- analytical approach, an attempt is made to take a simultaneous look at the most important social issues and challenges ahead on the one hand and its analysis and adaptation to the UNESCO Social Transformation Management Program and the experiences of other societies on the other hand so as to heed some mechanisms and ways to deal with those issues among which the ones addressed in this article are ethnic and linguistic demands or climate change, which will have social consequences such as migration.

**Keywords:** Globalization, Social Transformation, Climate Change, Ethnic and Linguistic Demands, and International Migration.

---

\*\*This article is extracted from a doctoral dissertation.

1\*. Associate Professor, Department of Regional Studies, University of Tehran.

(Corresponding Author: mmajidi@ut.ac.ir)

2 . Ph.D. Student in Cultural Policy Making, Bagher Al-Uloom University.

(M.Basirati@yahoo.com)

## چگونگی مدیریت تحولات جوامع جهان اسلام با استفاده از

### برنامه مدیریت دگرگونی‌های اجتماعی یونسکو (MOST) \*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۵

محمدرضا مجیدی<sup>۱</sup>

منیره بصیرتی<sup>۲</sup>

#### چکیده

جهان امروز شاهد مسایل و چالش‌های متعددی است که جوامع اسلامی نیز متأثر از آنها بوده و هست. مسایلی چون جهانی شدن پدیده‌ها، دگرگونی‌های شتابان اجتماعی؛ نظیر گسترش شهرها و توسعه شهرنشینی، مهاجرت، مطالبات قومی و زبانی و .... همچنین تغییرات آب و هوایی و خشکسالی، با تبعات فراوان فرهنگی و اجتماعی، از جمله مسایل و چالش‌های متعدد پیش‌روی هستند. جهان اسلام باید در سطوح ملی، منطقه‌ای و بینا منطقه‌ای و در روابط دو و چند جانبه خود این عناوین را در دستور کار قرار دهد و به استقبال آنها به منظور مدیریت مطلوب برود. همانگونه که در اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به اهداف نظام، علاوه بر اجتهاد بر پایه کتاب و سنت، بر استفاده از علوم و فنون بشری تاکید دارد، در این زمینه نیز باید به تجربیات جوامع دیگر و دستاوردهای تمدنی آنها توجه کرد. بیش از دو دهه است، برنامه بین‌الدول مدیریت دگرگونی‌های اجتماعی در سازمان یونسکو به عنوان نهاد تخصصی ملل متحد شروع به کار و برنامه‌های مختلفی را در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی پیگیری کرده است. کمیته ملی مدیریت دگرگونی‌های اجتماعی نیز در چارچوب کمیسیون‌های ملی تشکیل شده است. استفاده از این ظرفیت و نهادهای مشابه؛ مانند آیسسکو، موسسه فرهنگی اکو و ... و هم‌افزایی توان‌ها و تجارب می‌تواند در این راه، یاری رسان جوامع اسلامی به ویژه سیاستگذاران فرهنگی و اجتماعی باشد. در این نوشتار، تلاش می‌شود با رویکرد روش‌شناسی توصیفی - تحلیلی و با نگاهی توأمان به مهم‌ترین مسایل و چالش‌های اجتماعی پیش رو از یک سو و تحلیل و تطبیق آن با برنامه مدیریت دگرگونی‌های اجتماعی یونسکو، تجربه جوامع و مناطق مختلف از سوی دیگر، برخی ساز و کارها و راه‌های مقابله با آن مسائل و راه‌حل‌ها مورد توجه قرار گیرد؛ از جمله مسائلی که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته مطالبات قومی و زبانی و یا تغییرات آب و هوایی که خود پیامدهای اجتماعی از جمله مهاجرت را هم دربر خواهد داشت.

**واژگان کلیدی:** جهانی شدن، دگرگونی‌های اجتماعی، تغییرات آب و هوایی، مطالبات قومی و زبانی و مهاجرت‌های بین‌المللی.

\*\* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری می‌باشد.

(صفحه ۸۲-۵۷)

۱. دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران (نویسنده مسئول: mmajidi@ut.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری سیاستگذاری فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم (ع) (M.Basirati@yahoo.com)

## مقدمه

هر منطقه جغرافیایی، جامعه و یا قلمرو حاکمیتی، واجد مسائل خاص خود بوده که این وجه اختصاصی مسائل، متأثر از زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن منطقه و قلمرو است؛ همچنین واجد مسائل مشترکی نیز است که به گونه‌ای به پدیده جهانی شدن مرتبط است؛ زیرا جهان امروز با مواجهه پدیده جهانی شدن و محورهای جداکننده و حرکت تدریجی به سوی نوعی همگنی یا هم‌گونگی، با مسائل مشترکی مواجه شده؛ ازجمله: تغییرات زیست محیطی و آب و هوایی، چالش‌های میان زبان قومی و محلی و زبان ملی، تغییرات و دگرگونی‌های پرشتاب اجتماعی، بروز تنش‌های قومی و منطقه‌ای، چالش‌های مربوط به تکثر فرهنگی و فرهنگ ملی و معیار، مهاجرت‌های بین‌المللی، فقر، فراهم بودن یا نبودن فرصت‌های آموزشی برابر، عدالت و برابری جنسیتی و یا تبعیض جنسیتی، فراهم بودن بستری برای رشد جامعه مدنی، احزاب و دموکراسی یا انسداد اجتماعی و سیاسی و... اینها مجموعه مسائل مشترکی است که جهان امروز و از جمله جهان اسلام با آن روبروست.

در شرایط کنونی که پویای‌های فراگیر جهانی شدن، در عمل، حیات تاریخی و تمدنی جوامع مختلف را دچار دگرگونی‌های بنیادین ساخته است، جهان اسلام نیز به عنوان جغرافیای واحد عقیدتی با همه درون‌مایه‌های ارزشمند تاریخی و تمدنی و ذخایر عظیم مادی و معنوی خویش در معرض آسیب‌های ناشی از حرکت‌ها و تحولات جهانی قرار دارد و برای این جوامع نیز مسائل مشترکی را پدید آورده است. این مسئله واکنش منطقی و خردمندانه جوامع اسلامی را می‌طلبد تا جهان اسلام را از آثار جانبی و جنبه تهدیدزایی جریان‌های جهانی شدن حفظ نماید. لذا برای مسائل مشترک راه حل مشترکی، می‌توان در نظر گرفت و از تجارب سایر کشورها و مجامع علمی و بین‌المللی نظیر برنامه‌ی مدیریت تغییرات اجتماعی (MOST) یونسکو<sup>۱</sup> استفاده نمود. البته در عین حال باید به خاص بودگی زمینه‌های مسائل اجتماعی نیز توجه کرد.

روش پژوهش گردآوری داده‌ها در این مقاله، رویکرد توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی است. روش اسنادی روشی کیفی است که پژوهشگر سعی می‌کند تا با استفاده‌ی نظام‌مند از داده‌های اسنادی به کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش

1 . UNESCO's Management of Social Transformations (MOST) program

خود پردازد (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۵: ۶۹) و با این روش، این مقاله درصدد پاسخگویی به این سوال اصلی است که چگونه می‌توان با استفاده از برنامه مدیریت دگرگونی‌های اجتماعی یونسکو (MOST) تحولات جوامع جهان اسلام را مدیریت نمود. البته مسائل و دگرگونی‌های اجتماعی ناشی از جهانی شدن بسیار زیاد است که برخی از آن‌ها را در ابتدا برشمردیم؛ اما در این مقاله سعی شده صرفاً تغییرات آب و هوایی، مطالبات قومی و زبانی و مهاجرت‌های بین‌المللی، از چشم‌انداز و چارچوب نظری MOST تحلیل و سیاستگذاری شود.

## الف - چهارچوب مفهومی

### ۱- جهان اسلام

جهان اسلام به اصطلاح به سرزمین‌هایی گفته می‌شود که پیشینه‌ی دینی مردمان آن پیرو دین اسلام بوده و در حال حاضر سرزمینی با ترکیبی متنوع از نظر ویژگی‌های انسانی، بسترها و شرایط طبیعی است. اشتراکات جهان اسلام شامل: اشتراک در دین و تمدن و منابع انسانی و طبیعی، تجانس و همگونی ساختاری و کارکردی، منافع و نیازهای مشترک و احساس تهدید مشترک است. عدم استقلال و وابستگی‌های سیاسی و اقتصادی، تعارضات سرزمینی، رقابت داخلی قدرت‌های برتر جهان اسلام، وجود پیمان‌های سیاسی-امنیتی با قدرت‌های بزرگ و بازیگران فرامنطقه‌ای و... است.

جهان اسلام از نظر جغرافیایی شامل سرزمین‌های وسیعی است که بدنه‌ی اصلی آن به شکل مستطیلی از کرانه‌های اقیانوس اطلس شروع شده و تا جنوب غربی و شمال شرقی آسیای مرکزی امتداد می‌یابد و در مجموع شامل قسمت عمده‌ی آسیا و آفریقا و بخشی از اروپا می‌شود (صفوی، ۱۳۸۷: ۵۶). جهان اسلام با بیش از ۵۰ کشور جهان از سواحل غربی شمال قاره آفریقا تا مجمع‌الجزایر اندونزی در جنوب شرقی آسیا در ۱۷۰ درجه طول غربی-شرقی و ۷۰ درجه عرض شمالی-جنوبی گسترده شده (حم بزی، ۱۳۸۹: ۲) و با در نظر گرفتن وضعیت فعلی، قلمرو جغرافیایی سیاسی اسلام به چهار بخش قابل تفکیک و بررسی است:

۱- مرکز جهان اسلام: که در حقیقت گهواره جهان اسلام و منطبق با بخش جنوب غربی آسیا یا خاورمیانه است.

۲- شمال جهان اسلام: شامل آسیای مرکزی و قفقاز که این بخش بعد از فروپاشی شوروی به جهان اسلام پیوسته است.

۳- غرب جهان اسلام: شامل کشورهای شمال و شمال شرق و بخش‌های دیگر افریقا که به عنوان حاشیه مرزی با اروپای مسیحی محسوب می‌شود و دارای یک فرهنگ آمیخته با کشورهای همجوار اروپایی است.

۴- شرق جهان اسلام: که از مرزهای شرق ایران آغاز می‌شود و تا کرانه‌های غربی اقیانوس آرام و امتداد دیوار چین گسترش می‌یابد و با حوزه فرهنگی کنفوسیوس و بودایی هم مرز است (بی‌نا، ۱۳۸۹: ۶۰).

لذا باید در نظر داشت که این منطقه‌ی وسیع جغرافیایی، جدا از پدیده‌ی جهانی شدن، مسائل جهانی و دگرگونی‌های اجتماعی نیست.

## ۲- دگرگونی‌های اجتماعی

به طور کلی منظور از دگرگونی اجتماعی<sup>۱</sup>، در برگیرنده هرگونه تغییرات در ساختار، نهاد یا سازمان اجتماعی است. از این‌رو شیوه‌های زندگی و نهادهای اجتماعی جهان امروزی با شیوه‌های زندگی و نهادهای اجتماعی گذشته‌ای نه چندان دور بشر، تفاوت اساسی یافته است. لذا در نیم قرن اخیر، ما شاهد یک نوع چرخش سریع و تند از انواع دگرگونی در نظم و ساختار اجتماعی هستیم که مردم، هزاران سال در آن می‌زیسته‌اند (کوئن، ۱۳۸۴: ۲۲۶).

آهنگ دگرگونی، یکی از الگوهای اجتماعی و بخش جدایی‌ناپذیر از جامعه است؛ مثلاً برخی از جوامع، بسیار سریع‌تر از جوامع دیگر تغییر می‌کنند. ممکن است رویدادها یا اعمال فردی، آهنگ دگرگونی را برای مدت کوتاهی کند کرده یا به آن شتاب دهند؛ اما در درازمدت این میزان، پیش‌بینی‌پذیر است (شارون، ۱۳۸۴: ۷۳). تغییرات و دگرگونی، در شیوه زندگی اجتماعی انسان‌ها پس از دوره رنسانس و به ویژه بعد از انقلاب صنعتی (حدود دو‌یست سال قبل) بسیار چشمگیر بوده است.

### ۲-۱- تفاوت تغییر و دگرگونی اجتماعی با تحول اجتماعی

گینزبرگ<sup>۲</sup> می‌گوید: تحول اجتماعی<sup>۳</sup> عبارت از دگرگونی در ساخت اجتماعی؛ مثلاً در اندازه جامعه، ترکیب یا توازن میان بخش‌های مختلف آن یا نوع سازمان جامعه است. در نهایت، وی تحول اجتماعی را تغییر در معانی و ارزش‌هایی که در جامعه یا زیرگروه‌های مهم جامعه وجود دارد، می‌داند

.....  
1 . Social Transformation  
2 . Ginsberg, Morris, 1958  
3 . Social evolution

(گولد و ویلیام ل. کولب، ۱۳۸۴: ۲۲۶-۲۲۷). تحولات اجتماعی برآیند مجموعه تغییراتی است، که در طول یک دوره در یک یا چند نسل در طیف وسیعی از حوزه زندگی اجتماعی انسان‌ها تحقق می‌پذیرد؛ بنابراین تحولات اجتماعی، مجموعه‌ای از فرایندهاست که در زمان اندک، قابل ملاحظه نیست. این در حالی است که دگرگونی اجتماعی، در مدت زمان کوتاهی قابل رؤیت و مشاهده است؛ به‌گونه‌ای که افراد عادی در طول دوره زندگی خود، یک یا چند بار آن را مشاهده می‌کنند. افراد با تغییری که در یک پدیده ایجاد می‌کنند، خود می‌توانند نتیجه‌ی آن را ببینند. از این‌رو تغییرات اجتماعی در محدوده‌ی مکانی و اجتماعی معین تحقق می‌پذیرد (گی روشه، ۱۳۸۵: ۲۶).

## ۲-۲- عوامل مؤثر بر دگرگونی اجتماعی

عوامل مؤثر بر دگرگونی‌های اجتماعی عبارت اند از:

کنش‌ها و تصمیمات حکومت، عامل سیاسی و تغییر رژیم‌ها (رفیع‌پور، ۱۳۸۲: ۳۳۹-۳۴۰)، تضاد (شارون، ۱۳۸۴: ۲۷۲)، جنبش‌های اجتماعی و جنگ (Lindsey, 2000: 649)، استعمارگرایی و استعمارزدایی (گی روشه، ۱۳۸۵: ۲۰۹-۲۱۰)، نخبگان اجتماعی (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۲۸-۲۳۵)، تغییرات جمعیتی (رفیع‌پور، ۱۳۸۲: ۳۳۹-۳۴۰)، عوامل تکنولوژی و نوآوری (روح‌الامینی، ۱۳۸۲: ۳۳۹-۳۴۰)، عوامل جغرافیایی و محیطی (گیدنز، ۱۳۸۳: ۶۹۵) و دگرگونی‌های فرهنگی.

## ۳- جهانی شدن<sup>۱</sup>

واژه جهانی<sup>۲</sup> از چهارصد سال پیش و اصطلاحاتی همچون جهانی‌شدن، جهانی‌سازی<sup>۳</sup> و جهانی‌گرایی<sup>۴</sup> از دهه‌ی ۱۹۶۰ در متون علمی و ادبی به‌کار گرفته شد (نهایندیان، ۱۳۸۳: ۱۷). در مورد بررسی سابقه و پیشینه جهانی‌شدن مطالب مختلفی از سوی صاحب‌نظران، بیان شده است. برخی از نظریه‌پردازان که برای این مفهوم سابقه‌ای دیرینه می‌جویند، مبدأ آن را در تمدن‌های باستان جستجو می‌کنند. از دیدگاه ایشان جهانی‌شدن در واقع با شکل‌گیری چنین تمدن‌هایی آغاز شد؛ چراکه آن تمدن‌ها به اقتضای منطق و ساختار درونی خود، تمدن‌هایی گسترش طلب بودند. از دیدگاه نئومارکسیست‌هایی مانند "امانوئل والرشتاین"<sup>۵</sup> جهانی‌شدن هنگامی آغاز شد، که نطفه تمدن جهانی در

1 . Globalization

2 . Global

3 . Globalizing

4 . Globalism

5 . Immanuel Maurice Wallerstein: 1930

۱۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بسته شد (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۲۲)؛ که از مصر باستان و تمدن سومر آغاز می‌شود. نویسندگانی مانند "اریک ولف"<sup>۱</sup> و "ویلکینسن"<sup>۲</sup> به این دسته تعلق دارند (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۲۳).

شماری دیگر، شکل‌گیری و نقطه آغاز جهانی‌شدن را بسیار کوتاه‌تر دانسته و اعتقاد دارند که جهانی‌شدن پس از تحولاتی که بر اثر انقلاب صنعتی در اروپا به وجود آمد، شروع شد. انقلاب صنعتی سبب افزایش ثروت، تسریع در سیستم تجاری، تأسیس شرکت‌ها و تشکیل سرمایه‌داری صنعتی و پایه‌گذاری علم جدید و اقتصاد جدید شد و جمعیت بشری، به‌واسطه فن‌آوری و بهبود شرایط زیستی توسعه یافت. این امور، اقتضائاتی را برای جهانی‌شدن فراهم آورد (جاسبی، ۱۳۸۲: ۱۶).

دسته دیگری چون آتونوی گیدنز<sup>۳</sup> نقطه آغاز جهانی‌شدن را در شکل‌گیری تجدید می‌دانند. مارکس<sup>۴</sup> و انگلس<sup>۵</sup> هم، درک تاریخ جهانی‌شدن و آغاز این فرایند را مستلزم درک و شناخت تاریخ سرمایه‌داری می‌دانند؛ چون از دیدگاه آنان نظام سرمایه‌داری همواره دست‌اندرکار یک‌پارچه‌سازی اقتصادی و فرهنگی جهان بوده است (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۲۳).

رولاند رابرتسون<sup>۶</sup> نیز جهانی‌شدن را هم‌زمان با آغاز دوه مدرنیته و ظهور سرمایه‌داری می‌داند؛ که از ۱۴۰۰ میلادی (مقارن رنسانس) تا امروز، مراحل تاریخی متعددی را طی کرده است. آخرین مرحله آن از سال ۱۹۶۹ آغاز شده و به‌دلیل رشد سریع رسانه‌های گروهی، ارتباطات و مسائل زیست‌محیطی جهانی، بسیار سرعت گرفته است (بیات، ۱۳۸۶: ۲۵۰-۲۵۱).

### ۳-۱- جهانی‌شدن و تاثیر آن بر دگرگونی‌های اجتماعی و ضرورت مدیریت آن

جهان تحت تاثیر جهانی‌شدن در حال تحولات اجتماعی مهم است، [از جمله] تغییرات زیست‌محیطی در سطح جهان و بحران‌های اقتصادی و مالی، که منجر به افزایش نابرابری، فقر شدید، محرومیت و انکار اولیه حقوق بشر شده است. این تحولات آشکار، ضرورت پیشنهاد راه‌حل‌های نوآورانه برای ارزش‌های جهانی؛ مانند: صلح، کرامت انسانی، برابری جنسیتی و عدم خشونت و عدم تبعیض، شد. در این میان زنان و جوانان بیشتر تحت تاثیر این تغییرات هستند و از طرفی نیز می‌توانند

1 . Eric Robert Wolf

2 . Wilkinson

3 . Anthony Giddens

4 . Karl Marx

5 . Friedrich Engels

6 . Roland Robertson, 1993

از اصلی‌ترین عواملان تحولات اجتماعی باشند.

تحولات اجتماعی از طریق مشارکت اجتماعی و نوآوری اجتماعی تمام فعالیت‌های یونسکو را در برمی‌گیرد، [البته] با تمرکز ویژه روی کسانی که آسیب‌پذیر و محروم و نادیده گرفته شده، هستند. برنامه‌ی مدیریت تغییرات اجتماعی یونسکو (MOST) و شورای بین دولتی (IGC)<sup>1</sup> محرک‌های منحصر به فردی برای پیشبرد نوآوری و ظرفیت‌سازی جامع در زمینه تحولات اجتماعی و ایجاد پل‌ها و پیوندهایی بین دانش علوم اجتماعی، خط مشی عمومی و جامعه و سپس اجرای آن است (www.unesco.org, 2016)

برنامه MOST بر دو موضوع اولویت‌دار تمرکز دارد:

- مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از ویژگی‌های اساسی مبارزه با فقر، تضعیف نابرابری‌ها و حرکت به سمت توسعه همه جانبه جوامع به عنوان یکی از اهداف کلیدی توسعه پایدار و
- دگرگونی‌های اجتماعی ناشی از تغییر محیطی که شامل: شناخت ضرورت حل زنجیره‌ای از بحران‌ها از جمله کاهش منابع طبیعی، کمبود غذا، آب و انرژی، از دست دادن تنوع زیستی، فشار شهرسازی سریع و رشد جمعیت، تغییرات اقلیمی و بلایای طبیعی است. با توجه به اینکه توسعه پایدار دارای ارکان اجتماعی و محیطی جدایی‌ناپذیر است، چالش‌های اجتماعی و محیطی [نیز] با آن همراه و ملازم می‌شوند.

برای مقابله با چالش‌ها و مسائل اجتماعی که به دنبال خود سرعت دگرگونی را نیز افزایش می‌دهد و در ابتدا بیان شد؛ برنامه «مدیریت دگرگونی‌های اجتماعی یونسکو» موضوع‌هایی مانند دموکراسی، توسعه شهرها، ورزش، مهاجرت‌های بین‌المللی، بررسی مسائل زنان سرپرست خانواده و کودکان کار، پیوند بین اجتماعی را مورد بررسی و مطالعه قرار داده و توصیه‌ها و پیشنهادهای به کشورهای عضو می‌نماید (www.unesco.org, 2016).

## ب- ضرورت مدیریت دگرگونی‌های اجتماعی به ویژه در جهان اسلام

### ۱- جهان اسلام و آلودگی‌های زیست محیطی

امروزه مشکلات محیط زیست که از پیشرفت اقتصاد صنعتی و گسترش شهرنشینی ناشی شده، رفته رفته کشورهای اسلامی را با دشواری‌هایی روبه‌رو کرده است. در زیر مواردی از چالش‌ها و

1 . Intergovernmental Council



آلودگی‌های زیست محیطی جهان اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ از جمله در:

۱-۱- آسیای جنوب شرقی

۱-۲- آسیای جنوبی و مرکزی

۱-۳- جنوب غربی آسیا/خلیج فارس

۱-۴- آفریقای شمالی و ساحل

۱-۵- ساحل غربی آفریقا

۱-۶- شرق آفریقا

اینک آلودگی‌های زیست محیطی هر منطقه به تفصیل بیان می‌شود:

#### ۱-۱- آسیای جنوب شرقی

مهم‌ترین مناطق در معرض خطر تغییر اقلیم	مهم‌ترین مخاطرات ناشی از تغییر اقلیم
شمال غرب ویتنام	خشکسالی
مناطق ساحلی شرق ویتنام	طوفان‌های موسمی و خشکسال
منطقه مکونگ در ویتنام	بالا آمدن سطح دریا
بانکوک و مناطق مجاور آن در تایلند	بالا آمدن سطح دریا و سیل
فیلیپین	طوفان‌های موسمی، خشکسالی، ریزش کوه و سیل
ایالت صباح در مالزی	خشکسالی
مناطق غربی و شرقی جاوه در اندونزی	خشکسالی، ریزش کوه، سیل و افزایش سطح آب دریا

Source: (Anshory Yusuf and Francisco, 2009: 11)

#### ۱-۲- آسیای جنوبی و مرکزی

رشد مداوم جمعیت و صنعتی‌سازی سریع در آسیای جنوبی و مرکزی، بار سنگینی را بر دوش منابع کلیدی آب شیرین در منطقه نهاده است. در سیستم‌های سند و هیرمند، میزان آب آلوده‌ای که وارد رودخانه‌ها می‌شود، نسبت به منابع تجدید آن‌ها در سال، ۱۹ و ۱۶ درصد است. منحرف کردن آب آنها به منظور (Berahmaputra) ایجاد سد روی رودخانه‌های سند، گنگ و براهماپوترا آبیاری و تولید برق، ریزش سالانه این رودخانه‌ها را مختل ساخته و از سطح آب آن‌ها کاسته است. در بنگلادش، هند و پاکستان، به دلیل افزایش بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی برای کشاورزی،

سفره‌های زیرزمینی آب آن منطقه به سرعت در حال تخلیه است که به فروسایبی کلی منابع منجر می‌شود. سرانه سالانه آب در دسترس در حوزه رودخانه سند اکنون تنها ۱۳۳۰ مترمکعب برای هر نفر است (که آستانه این سرانه ۱۷۰۰ متر مکعب است) و همواره خطرات ناشی از گرمایش جهانی، بر این فشارها می‌افزاید. به دلیل تراکم جمعیتی بالا، مستعد بودن برای طوفان‌های ساحلی و نفوذ آب شور ناشی از بالا آمدن سطح آب دریاها و قرار گرفتن در معرض امواج طوفانی، پند بین حکومتی تغییرات جو، چندین دلتای ساحلی در جنوب آسیا را، از جمله گنگ برهماپوترا و سند، را به عنوان «نقاط بحرانی اعلام کرد که در برابر تغییرات جوی بسیار آسیب‌پذیرند. افزایش دمای سطح زمین در منطقه باعث ذوب شدن برف و یخچال طبیعی در هیمالیا شده است. تغییر در زهکشی آب رودخانه‌ها می‌تواند به شدت توان تولید برق و اقتصاد کشورهایی مانند تاجیکستان را که سومین تولیدکننده‌ی برق توسط آب در جهان هستند، در معرض فرسایش قرار دهد. تغییرات دمایی، رسوب‌گذاری و فراهم بودن آب، می‌تواند فراوانی تغذیه را نیز در این منطقه در معرض خطر قرار دهد. بانک جهانی پیش‌بینی کرده که تا سال ۲۰۸۰ تغییرات جوی می‌تواند خروجی محصولات کشاورزی را در کشورهای زیر به میزان ذکر شده پایین آورد: ۲۱.۱۷٪ در بنگلادش، ۳۸.۱٪ در هند ۳۰.۴٪ در پاکستان و ازبکستان ۲.۸٪ (با این حال خروجی در قزاقستان تا ۷.۷٪ رشد خواهد کرد) (مایکل و دیگران، ۲۰۱۰: ۱۵).

### ۳-۱- جنوب غربی آسیا/ خلیج فارس

حوزه خلیج فارس متشکل از هشت کشور است (عسگرخانی و بابایی، ۱۳۹۱: ۱۶۳) و آلودگی شدید هوا و آب، سراسر جنوب غربی آسیا و خلیج فارس را با چالش زیست‌محیطی جدی مواجه ساخته است. عمده منابع آلودگی‌ها عبارت‌اند از مدافع‌های روباز زباله‌های شهری، سوزاندن غیر کنترل شده زباله‌های شهری، ناوگان حمل و نقل فرسوده و نگهداری نکردن مناسب از آن، استفاده ناکارآمد از سوخت‌های فسیلی به منظور تولید نیرو و همچنین در صنعت ورود سولفوراکسید حاصل از فعالیت‌های صنعتی به طبیعت (مایکل و دیگران، ۲۰۱۰: ۱۵ و ۱۶، به نقل از پانديا، ۲۰۱۰). در سال، بیش از ۱۰ هزار شناور در خلیج فارس تردد می‌کنند که ۷۵ درصد آن‌ها برای حمل نفت خام به این دریا می‌آیند (الهی، ۱۳۸۷: ۱۲). در حال حاضر سالانه بیش از ۵ میلیون تن نفت خام وارد آب‌های خلیج فارس می‌شود که یک فاجعه‌ی زیست‌محیطی است. این میزان نفت حاصل نشت نفت

از لوله‌ها، تاسیسات نفتی و تخلیه آب بالانس کشتی‌هاست. حدود ۳۸ درصد بالانس نفتکش‌ها دارای نفت خام هستند که با افزایش تولید نفت آلودگی حاصل از این فعالیت نیز بیشتر خواهد شد. هم‌اکنون روزانه میلیون‌ها بشکه نفت از طریق خلیج فارس جابه‌جا می‌شود که آثار زیانباری را در پی داشته است (Elnaggar, 2008).

رشد اقتصادی سریع همچنین وضعیت بحرانی آب منطقه را نیز بدتر می‌کند. استخراج بیش از حد منابع زیرزمینی با اهداف کشاورزی - به ویژه برای غلات و حبوباتی که به شدت نیازمند آب هستند - به سرعت منابع آب شیرین محدود فعلی را رو به اتمام می‌برند. در حال حاضر، پیشرفته‌ترین کشورهای حاشیه خلیج، بیشترین مصرف سرانه آب در جهان را به خود اختصاص داده‌اند که سبب شده برای تامین آب آشامیدنی خود رو به تصفیه آب دریا بیاورند. با این حال، تاسیسات نمک‌زدایی گران‌قیمت و هزینه‌نگهداری آن‌ها بالا بوده و اکوسیستم‌های باقیمانده را در معرض آسیب قرار می‌دهند. برای مثال تاسیسات نمک‌زدایی و تولید نیرو ۴۸٪ زباله‌های صنعتی را که وارد دریای سرخ می‌شوند، را تولید می‌کنند. پیش‌بینی می‌شود که سد آتاتورک در ترکیه کیفیت و کمیت آبی را که به رودخانه فرات سرازیر می‌شود در معرض تهدید قرار می‌دهد. در حالی که تالاب‌ها و مرداب‌های عراق که مهم‌ترین فیلترهای قرار گرفته سر راه آب سرازیر به سمت خلیج هستند، در حال خشک شدن بوده و شیلات و منابع آب شیرین منطقه را مختل ساخته‌اند. در سال ۲۰۰۳ م به جز عراق، که سرانه سالانه آب آشامیدنی خود را زیر مرز خطرناک نگاه داشته است، تمام کشورهای خاورمیانه از این مرز گذشته و با کمبود آب مواجه هستند (مایکل و دیگران، ۲۰۱۰: ۱۵ و ۱۶، به نقل از پانديا، ۲۰۱۰). از سوی دیگر، هم‌اکنون سه کشور عراق، سوریه و ترکیه بر سر منابع آب دجله و فرات و سهم هر کشور از آن اختلاف نظر شدیدی دارند و در مواردی تا آستانه جنگ تمام عیار پیش رفته‌اند (عسگری، ۱۳۸۹: ۵).

در سال ۲۰۲۵ م عراق در بالای خط تنش آبی و لبنان، سوریه و مصر بالای خط تنش آب شدید خواهند گرفت و بقیه کشورها زیر خط کمبود آب شدید قرار می‌گیرند. سازمان ملل متحد تخمین می‌زند که ۱.۱ میلیون نفر به آب تمیز و ۲.۴ میلیون نفر به امکانات بهداشتی مناسب دسترسی نخواهد داشت (اگر اقدامات اصلاحی انجام نگیرد، این ارقام در سال ۲۰۲۵ می‌توانند تا دو سوم افزایش پیدا کنند). تشدید این مشکلات باعث شتاب گرفتن رشد جمعیت، به خصوص در کشورهای جهان سوم می‌شود. همچنین، به طور همزمان باعث توسعه بخش کشاورزی و صنعت شده که منجر به افزایش

آلودگی می‌شود (استفاده بیشتر از آب و هدر رفتن آب). وجود تغییرات آب و هوا و ترکیب این عوامل سبب کاهش شدید منابع آبی جهانی می‌شوند. گرچه شواهد و مدارک زیادی درباره این بحران وجود دارد؛ اما عزم و تعهد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ناکافی برای معکوس شدن و متوقف کردن این روند وجود دارد.

وضعیت کشورهای عربی بدین شکل است: ۳٪ از جمعیت کل جهان را دارند و ۱۰٪ از مساحت کل جهان را تشکیل می‌دهند؛ اما تنها دارای ۱.۲٪ ذخایر تجدیدپذیر آب هستند. بسیاری از کشورهای این منطقه، کشورهای در حال توسعه و شکننده‌ای بوده که دارای دوگانگی جمعیت هستند. همچنین، دارای کشت‌های اقتصادی افزایش جمعیت بوده و دارای تقاضاهای زیاد برای سیاست‌های توسعه اقتصادی (از طریق توسعه کشاورزی و صنعتی) هستند که همه این عوامل در کنار هم، منجر به فشار هرچه بیشتر به منابع آبی‌شان است (Tolba, M. K.; Saab, N 2008).

#### ۴-۱- آفریقای شمالی و ساحل

منابع آبی به یکی از مهم‌ترین مشکلات زیست‌محیطی در شمال آفریقا تبدیل شده‌اند. سراسر منطقه با کمبود آب دائمی مواجه هستند، که برداشت بیش از حد منابع رو زمینی و استخراج فراوان منابع زیرزمینی به این مشکل دامن می‌زنند. بیش از سه چهارم آفریقا طبیعت صحرائی دارد و بیابان‌زایی فعلی ۱۶.۵ درصد از سرزمین‌های باقیمانده را در معرض تهدید قرار داده است. تهی شدن هر چه بیشتر منابع آبی منجر به پیشروی هر چه بیشتر بیابان‌ها می‌شود. افزایش تراکم جمعیت، به همراه شهری‌سازی و صنعتی‌سازی بر گسترش آلودگی در سراسر منطقه می‌انجامند؛ برای مثال، با رشد جمعیت، میزان تولید فاضلاب خانگی و صنعتی افزایش می‌یابد. تغییرات جوی، تأثیرات جدی بر آفریقای شمالی می‌گذارد؛ مثلاً دسترسی به آب را کاهش می‌دهد و بر میزان تخریب طوفان‌های شن و گرد و خاک در مناطقی چون مصر و سودان می‌افزاید. با در نظر گرفتن رشد سریع جمعیت، فرو نشستن زمین، میزان بالای فرسایش، نفوذ آب شور، شوره‌زایی و نبود سیستم مدیریت ساختاری مناسب، مصر را در برابر تغییرات جوی بسیار آسیب‌پذیرتر ساخته است. برای مثال، تنها بالا رفتن یک متری آب ۴۵۰۰ متر مکعب سرزمین‌های کشاورزی دلتای نیل را زیر آب برده و ۶.۱ میلیون نفر را دچار سیل‌زدگی می‌کند و سه چهارم از مردم شهر اسکندریه را از خانه و کاشانه خود آواره می‌سازد. قسمت‌های ساحلی شمال و غرب آفریقا هم اکنون ضعیف‌ترین اکوسیستم‌های دنیا را در خود جای

داده است. خشکسالی این قسمت‌ها تا پنج سال این منطقه را فرا می‌گیرد و امنیت غذایی و تولید کشاورزی را به شدت در معرض تهدید قرار می‌دهد. براساس یافته‌های برنامه محیط زیست سازمان ملل<sup>۱</sup>، خاک این منطقه فی‌نفسه ضعیف بوده و کربن و مواد مغذی خاک آن اندک است. فرسایش‌های آبی و بادی اغلب اوقات خاک روئین غنی را از میان می‌برد و کشاورزی پایدار را دشوار می‌سازد. جنگل‌زدایی، برداشت دائم و چراندن بیش از حد مراتع توسط مردم چوپان در منطقه ساحل، اکوسیستم آن را بیش از پیش در معرض خطر قرار داده است. طوفان‌های شدید که بیش از پیش غیرقابل پیش‌بینی هستند، به نظر می‌رسد بدتر شوند و همچنین تغییرات جوی و کویرزایی امنیت غذایی و انسانی را هرچه بیشتر تهدید می‌کند (مایکل و دیگران، ۲۰۱۰: ۱۷-۱۶، به نقل از پانديا، ۲۰۱۰). چنان که از دهه ۱۹۸۰م حدود پنج تا شش میلیون نفر به واردات غذا وابسته بوده‌اند و در کنار این مشکل، تشدید فقر و سوء تغذیه به گسترش بیماری‌های عفونی به خصوص ایدز منجر شده و اتیوپی را سومین کشور دارای جمعیت بالای مبتلا به ایدز تبدیل کرده است. در مجموع، تغییرات آب و هوایی آثار بزرگی در تاریخ بشریت بر جای گذاشته‌اند (التیامی‌نیا، ۱۳۹۴: ۸۴).

#### ۵-۱- ساحل غربی افریقا

براساس یافته‌های اتحادیه جهانی حفاظت از منابع طبیعی، ریزش باران در غرب افریقا به مدت ۴۰ سال است که رو به کاهش می‌رود. این امر موجب کاهش بخش سطحی تالاب‌های طبیعی شده است. به خصوص با در نظر گرفتن سرعت جریان آب در آبراهه‌ها، تغییر دمای آب و بدتر شدن کیفیت آب، مشکلات مضاعف دیگری است و منابع مهم محلی آب نیز در معرض تکثیر علف‌های هرز قرار گرفته‌اند. این علف‌های هرز در روند ماهیگیری، دریاداری، عملکرد طرح‌های آبیاری و توسعه تولید انرژی از آب، مانع ایجاد کرده‌اند. تجدید سفره‌های آب زیرزمینی در غرب افریقا به طور قابل توجهی کاهش یافته و این در حالی است که وقوع سیل در بسیاری از حوزه‌های رودخانه‌های منطقه بیشتر شده است. تغییر جهت منابع آبی ممکن است سلامت و بهداشت عمومی را تحت تاثیر قرار داده و شیوع بیماری‌های ناشی از آب خوراکی را افزایش دهد. انتظار می‌رود تغییرات جوی کویرزایی را در شمال گسترش داده و منجر به بالا رفتن سطح آب در مناطق ساحلی شود و در نتیجه منابع آبی را شور ساخته و وقوع طوفان‌ها را افزایش دهد (مایکل و دیگران، ۲۰۱۰: ۱۸-۱۷، به نقل از

1 . Nation Environment Program (UNEP) United

پانديا، ۲۰۱۰). اين در شرايطی است که خاورميانه و شمال افريقا ۵ درصد جمعيت جهان را دارا بوده و فقط صاحب یک درصد آب شيرين جهان هستند (Brook, 2007:54).

## ۶-۱- شرق افريقا

در افريقا یک سيلاب ساده می تواند به راحتی ميليون ها نفر را بی خانمان کند و خشکسالی نیز می تواند عواقب بسيار تلخ تری برای اين مردم به همراه داشته باشد (دانش، ۱۳۹۳: ۱۲). در افريقای شرقی نیز، زمين های مناسب همواره در معرض خشکسالی، چرای بیش از حد و کشاورزی آسيب زار قرار دارند که اين موارد بازدهی کشاورزی، امنيت غذایی و سلامت را در شرايط خطر قرار داده اند. اين فشار بر سرزمين ها، باعث تسريع کويرزایی در اين منطقه می شود. با در نظر گرفتن مستعد بودن منطقه برای پديده ال نينو<sup>۱</sup> و ديگر رویدادهای ناشی از نزولات آسمانی، وقوع سيل یکی ديگر از مشکلات دائمی اين منطقه است. جنگل زدایی به شدت منابع آبی مهم اين منطقه را تخریب می کند و موجب تشديد کمبود آب می شود. گرمای جهانی نیز سبب تشديد مشکلات موجود و سخت تر کردن پيش بينی فصل های خشک و مرطوب برای کشاورزان و دولت ها شده و وقوع رویدادهای حوادث جوی نامطلوب را نیز افزايش داده است. منابع متعددی مانند نشت نفت از نفتکش ها، روان شدن آب های ناشی از صنعت و کشاورزی رو به رشد و آلودگی ناشی از نفوذ فاضلاب به آب آشاميدنی، ساحل اين منطقه را آلوده می سازند. تغييرات جوی یکی از تهديدات برجسته برای اين کشورهای کرانه ای است و همانند آنچه که در کشورهای ساحلی رخ می دهد، موجب بالا آمدن سطح آب درياها شده و سيستم جلبکی در طول ساحل نیز در اثر افزايش دمای آب اقیانوس، سفید و تخریب شده است. در نهايت، دولت های کوچک جزيره ای نیز در معرض خطرات ناشی از تغييرات جوی هستند و با مشکلاتی چون بالا آمدن سطح آب درياها، افزايش نفوذ آب شور در منابع آب شيرين و افزايش وقوع رویدادهای جوی نامطلوب، دست به گريان هستند (مایکل و ديگران، ۲۰۱۰: ۱۷-۱۶، به نقل از پانديا، ۲۰۱۰).

## ۲- محیط زیست و ضرورت سرمايه گذاری در مدیریت بهتر منابع

کشورها باید راهبردهای زیست محیطی را در تمام سیاست های بخشی خود بگنجانند، سرمايه گذاری مستقیم در مدیریت زیست محیطی را ترویج دهند، اصلاحات نظارتی و بازار را به منظور

کاهش تخریب محیط زیست ترویج دهند و پایش زیست‌محیطی را بهبود بخشند. در تمام این حوزه‌های عملیاتی، کشورها باید نیاز روزافزون خود را به منظور سازگاری با تغییرات اقلیمی مدنظر قرار دهند. نمونه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم در مدیریت زیست‌محیطی عبارت‌اند از کاشت مجدد جنگل‌ها، بهسازی فاضلاب، مهار آلودگی‌های شیمیایی و حفظ اکوسیستم‌های حیاتی. راهبردهای بخشی که درست طراحی شده‌اند، شامل خدمات کشاورزی و زیربنایی همچنین می‌توانند از ارزیابی راهبردی اثرات زیست‌محیطی برای به حداقل رساندن توازن منفی زیست‌محیطی استفاده کنند. حذف پارانه‌هایی که آثار مخرب زیست‌محیطی دارند می‌تواند مدیریت محیط زیست را بیشتر بهبود بخشد (جفری، ۲۰۰۵: ۵۲).

### ۳- تغییرات آب و هوایی و زیست‌محیطی و پیشنهادات MOST

#### ۳-۱- ابعاد اخلاقی و اجتماعی تغییر آب و هوا

"تغییر ذهن، نه شرایط آب و هوایی" شعار یونسکو است که نه تنها تأکید بر ضرورت پرداختن به تغییرات آب و هوایی از یک دیدگاه گسترده‌تر می‌کند، بلکه همچنین نشان می‌دهد که اخلاق نیز در کنار این موضوع قرار دارد. این فرایند با تغییر ذهن در نحوه سنجش موفقیت اقتصادی، ایجاد خط مشی عمومی و آموزش نسل‌های فعلی و آینده آغاز می‌شود. اصل اولیه در رشد و توسعه که آغاز تغییرات اجتماعی و فرهنگی است، لحاظ نمودن ابعاد اخلاقی و اجتماعی توسعه است. این که کدام ارزش‌ها کدام ارزش‌ها را انتخاب خواهیم کرد تا انتخاب‌های اقتصادی، سیاسی و فردی ما را هدایت کند؟ در چه نوع جامعه‌ای می‌خواهیم زندگی کنیم و چه نوع جهانی را می‌خواهیم به نسل‌های آینده منتقل کنیم؟

به طور کلی برای مقابله و برنامه‌ریزی بهتر با اثرات منفی تغییرات اقلیمی می‌بایست آنها را با ابعاد اخلاقی، سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها تلفیق نمود. تغییرات آب و هوایی علاوه بر ابعاد اخلاقی، با مباحث اجتماعی نیز در چالش هستند؛ بنابراین درک و پاسخ دادن به مسائل مربوط به تغییرات اقلیمی نیازمند ورود به مباحث علوم اجتماعی و علوم انسانی فراگیر است.

به منظور مقابله با تغییرات آب و هوایی از این دیدگاه، یونسکو از طریق برنامه مدیریت تغییرات اجتماعی (MOST) برای تقویت علم پایداری در فعالیت‌ها تلاش می‌کند. به عبارت دیگر، علم پایداری است که به بهبود درک سیستم‌های فیزیکی، زیست‌شناختی و اجتماعی پیچیده کمک می‌کند.

سازگاری مثبت و تغییرات اقلیمی نیز نیازمند سیاست‌های فراگیر و مشارکتی در سطح ملی و همچنین در مناطق، شهرها و استان‌ها است. MOST با ذینفعان خود کار می‌کند تا بر مبنای دانش علوم انسانی، از برنامه‌های توسعه و ارزیابی سیاست‌ها توافق و حمایت کند.

علاوه بر این، یونسکو از طریق برنامه بسیج جوانان به عنوان عوامل تغییر، برای پاسخ‌های جامع و پایدار اجتماعی به تغییرات آب و هوایی استفاده می‌کند. هدف این است که با حمایت از ظرفیت جوانان با درگیر کردن و به رسمیت شناختن آن‌ها به عنوان عوامل کلیدی در توسعه جوامع و تبدیل آن‌ها به کنش‌گران امروز و آینده و کسب اقتصاد سبز، رشد سبز و توسعه پایدار، به نگرانی‌های عمده خود در مورد قابلیت‌های اشتغال و معیشت جوانان پاسخ دهد (Crowley, 2015: 1-2).

### ۳-۲- اعلامیه اصول اخلاقی در رابطه با تغییرات اقلیمی

بیانیه یونسکو به طور جدی اصول اخلاقی را بیان می‌کند؛ که بیانگر نگرانی‌های کشورهای عضو درباره‌ی تغییرات آب و هوایی است که می‌تواند باعث خسارت و بی‌عدالتی اخلاقی غیر قابل قبول شود. حدود ۱۹۵ کشور در تاریخ ۱۳ نوامبر ۲۰۱۷، هنگام دیدار در پاریس در جلسه ۳۹ کنفرانس عمومی یونسکو، اعلامیه اصول اخلاقی تغییرات اقلیمی را ایراد نمودند؛ آنها از شرکای جهانی خود خواستند که در راستای این اصول بسیج شوند.

این اعلامیه فهرستی از اصول اخلاقی مورد توافق جهانی را ارائه می‌دهد که باید در همه سطوح تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری نقشه راه باشد و به بسیج مردم برای مقابله با تغییرات آب و هوایی کمک کند. دستورالعمل اخلاقی اعلامیه یونسکو به منظور تکمیل تلاش‌های چند جانبه‌ی دیگر از جمله تعهدات مذاکره‌ای تحت کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد، در مورد تغییرات اقلیمی و ارزیابی‌های علمی که توسط کمیته بین‌المللی تغییرات اقلیمی، برگزار می‌شود، تکمیل خواهد شد. همچنین اعلامیه جدید از "پیشگیری از آسیب" حمایت می‌کند که یکی از اصول مهم اخلاقی در ارتباط با تغییرات اقلیمی است. برای پیروی از آن، مردم باید با هدف پیشگیری، اجتناب و به حداقل رساندن آسیب، هر کجا که ممکن است، از تغییرات آب و هوایی و همچنین از سیاست‌ها و اقدامات تخریبی و کاهش آب و آلودگی هوا، جلوگیری کنند.

یکی از اصول اخلاقی، "دانش علمی و یکپارچگی در تصمیم‌گیری" است. این اصل می‌گوید که "تصمیم‌گیری باید بر اساس بهترین دانش موجود در علوم طبیعی و اجتماعی باشد و بر اساس آن



هدایت شود". همچنین این اصل می‌افزاید که دولت‌ها باید "اقداماتی را انجام دهند که به حفظ استقلال علم و یکپارچگی روند علمی کمک می‌کند".

اصول اخلاقی دیگر عبارت‌اند از: همبستگی، پایداری، عدالت و رویکرد محتاطانه. اصول اخلاقی این اعلامیه مبتنی بر کار قبلی یونسکو در ارتباط با تغییرات اقلیمی است (Crowley, 2005: 2-3).

### ۳-۳- تغییرات اجتماعی در مواجهه با تغییرات اقلیمی

تغییرات آب و هوایی فرصتی برای تحولات مثبت اجتماعی است به طوریکه توجه ویژه به این تحولات، داستان‌های موفق، بسیج اجتماعی، مسائل حقوقی و همبستگی جهانی، را فراهم می‌کند. همچنین این رویداد متناسب با چارچوب کلی کنفرانس آب و هوای سازمان ملل متحد است که از ۳۰ نوامبر تا ۱۱ دسامبر ۲۰۱۵ در لور بوره فرانسه برگزار شد. به موازات این بحث، هنرمندان و نوازندگان نیز به چگونگی رویکرد جوامع خود به تغییرات آب و هوایی کمک می‌کنند (Crowley, 2015: 1-2).

## پ- مطالبات قومی و زبانی و پیشنهادات MOST

### ۱- مطالبات فرهنگی و قومی

جهانی شدن در عمل بسیار متنوع بوده و اغلب به عنوان تهدیدی برای تنوع فرهنگی دیده می‌شود و در عین حال در بعضی موارد تنزل فرهنگی را از بین می‌برد. همچنین برخی از اشکال جهانی شدن که در ارتباط با توسعه فن‌آوری‌های دیجیتال است؛ ممکن است سبب رشد فرهنگی شود. بدین ترتیب محدود کردن پیامدهای منفی جهانی شدن برای حفظ تنوع فرهنگی است که در ابتدا درک آگاهانه از تاثیرات آن، ضرورت دارد. ایجاد یک رصدخانه جهانی می‌تواند نقش مهمی در این زمینه ایفا کند.

همیشه به رسمیت شناختن هویت ملی - به عنوان چیزی جدا از هویت فرهنگی - مهم و تا حدی به عنوان یک ساختار تاریخی لحاظ می‌شود؛ هویت ملی همیشه محصول فرایندهای تکامل و تعامل است. در دنیای امروز، چنین تغییراتی فراگیر هستند و باعث پیچیدگی بیشتر هویت فردی و گروهی می‌شوند؛ در واقع، شناسایی هویت‌های چندگانه ویژگی خاص زمان حاضر است. بنابراین یکی از اثرات پارادوکسیکال جهانی شدن، تحریک شکل‌های مختلفی است که منجر به نوآوری در همه

سطوح می‌شود.

با این حال، فرهنگ‌ها در مواجهه با فرایندهای جهانی سازی یکسان نیستند و باید هر کاری و هر تلاشی برای حفاظت از اصطلاحات فرهنگی نمود تا زنده بمانند. باید راه‌هایی برای کمک به جوامع مورد مطالعه برای مدیریت بهتر تغییرات فرهنگی در زمینه گفتگوی میان فرهنگی پیدا نمود. تنوع فرهنگی و گفتگوی بین فرهنگی اساساً با هم مرتبط بوده و هر دو محصول و پیش شرط گفتگو هستند. ایجاد رصدخانه جهانی برای تنوع فرهنگی به منظور نظارت بر تاثیرات جهانی شدن بر تنوع فرهنگی و به عنوان منبع اطلاعات و داده‌ها برای تحقیقات مقایسه‌ای مورد توجه واقع شود.

بدین منظور، اقدامات ذیل باید انجام شود:

- ۱- جمع‌آوری، گسترده‌ی داده‌ها و آمارهای مربوط به تنوع فرهنگی، از جمله چارچوب آمار فرهنگی اصلاح شده یونسکو<sup>۱</sup> (FCS). ۲۰۰۹
- ۲- توسعه روش‌ها و ابزارهایی برای ارزیابی، اندازه‌گیری و نظارت بر تنوع فرهنگی که توسط دولت‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی که قابل انطباق با شرایط ملی یا محلی باشند.
- ۳- ایجاد رصدخانه‌های ملی برای نظارت بر سیاست‌ها و مشاوره در مورد اقدامات مناسب برای ارتقاء تنوع فرهنگی (Advisory Committee for the World Report on Cultural Diversity, ) (2008: 40-45).

ابزار تنظیم استاندارد توسط یونسکو تصویب شد؛ مثلاً کنوانسیون کلی کپی رایت جهانی که در سال ۱۹۵۲ به تصویب رسید، این ایده را مطرح کرد که فرهنگ (آثار ادبی، علمی و هنری) شامل ارزش‌های جهانی می‌شود که نیاز به حفاظت و مسئولیت مشترک دارند که این امر به عهده جامعه بین‌المللی است.

در همان زمان، با توجه به افزایش آگاهی نسبت به نیاز حفاظت از میراث زمان جنگ، کنوانسیون حفاظت از خواص فرهنگی در مورد کنفدراسیون مسلحانه در لاهه در هلند در سال ۱۹۵۴ تصویب شد. این معاهده بین‌المللی، همراه با پروتکل اول آن همان سال تصویب شد و عبارت "دارایی‌های فرهنگی"؛ مانند حفاظت از معماری ابنیه، مراکز هنری یا تاریخی، سایت‌های باستان‌شناسی، موزه‌ها، کتابخانه‌های بزرگ و آرشیوها، آثار هنری، نسخه‌های خطی، کتاب‌ها و دیگر اشیاء هنری، تاریخی و یا باستان‌شناسی اعم از اموال منقول و غیرمنقول به دلیل ارزش فرهنگی منحصر به فردشان، به عنوان

1 . Framework for Cultural Statistics

یک طبقه جامع و همگن به حساب آورده شد. کنوانسیون ۱۹۵۴، که در حال حاضر توسط پروتکل دوم سال ۱۹۹۹ تکمیل شده، پایه و اساس مفاهیم میراث مشترک و منافع مشترک بشریت را فراهم می‌آورد.

در سال ۱۹۶۶، کنفرانس عمومی یونسکو اعلامیه اصول مبانی همکاری بین‌المللی فرهنگی را پذیرفت. این اعلامیه، ویژگی‌های اساسی سیاست‌های همکاری یونسکو در زمینه فرهنگ را با بیان اینکه هر فرهنگ دارای شأن و ارزش است که باید مورد احترام و حفاظت قرار گیرد، بیان کرد: "همه مردم دارای حق و وظیفه‌ای در قبال توسعه فرهنگ خود هستند و تمام فرهنگ‌ها بخشی از میراث مشترک بوده که متعلق به همه بشریت است، به این ترتیب مفهومی را مطرح می‌کنند که بشریت به عنوان یک کل پایه‌ای و اساسی است که همه افراد آن را به اشتراک می‌گذارند و حقوق آن را مبادله می‌کنند.

در سال ۱۹۷۲ کنفرانس عمومی، کنوانسیون مربوط به حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان را تصویب کرد. همانند کنوانسیون سال ۱۹۵۴ لاهه، که بر ویژگی‌های فرهنگی غیرقابل جایگزین (در این مورد ارزش جهانی برجسته) تمرکز می‌کند؛ اما در عین حال مفهوم کلیدی «میراث بشری» را معرفی می‌کند. کنوانسیون ۱۹۷۲ با رویکرد برنامه‌ریزی شده خود، براساس یک سیستم فهرستی و استفاده از دستورالعمل‌های عملیاتی برای اجرای آن، تقویت سیاست‌های حفاظت از میراث را تبدیل به مرجع استاندارد برای تدوین سیاست‌های حفاظت از محیط زیست به عنوان وسیله توسعه، با تاکید ویژه بر گردشگری نمود. در حال حاضر ۸۹۰ سایت فرهنگی، طبیعی و یا ترکیبی از هر دو، در فهرست میراث جهانی ثبت شده است. این سایت‌ها در سرتاسر جهان قرار دارند و به همین ترتیب کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه به طور یکسان از فرصت‌های مربوط به این کنوانسیون بهره‌مند می‌شوند. برچسب میراث جهانی با داشتن این اعتبار فوق‌العاده است و از طرف امضاکنندگان کنوانسیون برای به رسمیت شناختن میراث خود، حفاظت از سایت‌های حساس، مناظر و گونه‌ها و جذب گردشگری بسیار مورد احترام قرار گرفته است. به طور کلی، سایت‌های میراث جهانی در خدمت حساس سازی و نیاز به آموزش مردم به حفاظت از میراث خود برای نسل‌های آینده و تقویت احترام و درک بین فرهنگی از طریق قدردانی از تنوع و ثروتی که بخشی از وطن مشترک بشریت است.

## ۱-۲- تنوع و تکثر فرهنگی

بازتاب آزادی بیان، پلورالیسم رسانه‌ای، چند زبانی و دسترسی برابر به هنر و علم و فن دانش، در اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی خود را نشان می‌دهد که بیان می‌کند: "احترام به تنوع فرهنگ‌ها، تحمل، گفتگو و همکاری، در شرایط اعتماد و درک متقابل" یکی از بهترین تضمین‌ها برای صلح و امنیت بین المللی است و نیاز به "همکاری بین المللی و همبستگی" بر اساس مشارکت بین بخش عمومی، بخش خصوصی و جامعه مدنی دارد.

در سال ۱۹۹۷ اعلامیه‌ی شاهکارهای میراث معنوی بشریت تصویب شد و برای حفاظت از میراث فرهنگی ناشناخته در کنوانسیون برنامه یونسکو در سال‌های ۲۰۰۱، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ مجدداً بر آن تاکید گردید. "تنوع فرهنگی" به عنوان عنصر کلیدی میراث فرهنگی نامشهود حفاظت از هویت فرهنگی، افزایش خلاقیت و حفظ اصطلاحات فرهنگی - سنتی را به رسمیت شناخته شده است. تعریف میراث نامشهود در کنوانسیون ۲۰۰۳ شامل لیستی متنوع از حوزه‌های فرهنگی مانند سنت‌ها و اصطلاحات محلی (از جمله زبان)، هنرهای نمایشی، آداب اجتماعی، آیین‌ها، جشن‌ها، رویدادهای علمی و نحوه برخورد با طبیعت و جهان است که سهم مهمی در شناخت ماهیت چند وجهی تنوع فرهنگی دارد که هدف آن نیز حفاظت از میراث زندگی دائماً در حال تحول انسان است.

## ۲- چالش جهانی شدن و تنوع فرهنگی

کنوانسیون سال ۲۰۰۵ شامل بیانیه‌ی مهمی است که "تنوع فرهنگی" را توسط جریان آزاد ایده‌ها تقویت می‌کند و با مبادلات و تعاملات بین فرهنگ‌ها پرورش می‌یابد. "تنوع زبانی یک عنصر اساسی از تنوع فرهنگی است" در حالی که فرایندهای جهانی شدن شرایط بی‌سابقه‌ای برای افزایش تعامل بین فرهنگ‌ها فراهم می‌کند؛ اما از طرفی بیانگر یک چالش برای تنوع فرهنگی است؛ زیرا خطرات عدم تعادل بین کشورهای ثروتمند و فقیر و همچنین دسترسی عادلانه به یک منبع غنی و متنوع و طیف وسیعی از عبارات فرهنگی از سراسر جهان و دسترسی فرهنگ به ابزار بیان و انتشار که از عناصر مهم افزایش تنوع فرهنگی و تشویق به درک متقابل هستند، وجود ندارد (ماده ۲.۷).

هر حزب دولتی می‌تواند اقداماتی را جهت حفاظت و ترویج تنوع فرهنگی در قلمرو خود اتخاذ کند. به نوبه خود، دولت‌های عضو دارای پاره‌ای وظایف هستند، به ویژه برای اطمینان از درون قلمرو محیطی که افراد و گروه‌ها را تشویق می‌کند تا عبارات فرهنگی خود را ایجاد، تولید، انتشار و توزیع و

دسترسی به آنها داشته باشند. آنها همچنین ملزم به توجه خاص به وضعیت ویژه اقلیت و یا افراد و گروه‌های حاشیه‌ای بوده و متعهد به همکاری بین‌المللی هستند. احزاب نیز خواستار افزایش آگاهی و درک عموم مردم از اهمیت تنوع بیان فرهنگی و تشویق مشارکت فعال جامعه مدنی از طرفین برای دستیابی به اهداف کنوانسیون هستند (Advisory Committee for the World Report on Cultural Diversity, 2008: 50-52).

### ۳- جهان اسلام و تنوع فرهنگی

اسلام‌گرایی سریع در مناطق جنوبی آسیای مرکزی، منجر به ظهور هویت‌هایی شد که به شدت ریشه در دین دارند و این امری معقول بود در مقابل، برخورد تدریجی اسلام و اعتقادات مذهبی و قومی در مناطق عشایری شمال، راهی برای ظهور جوامع سوفی امروز شد که هویت‌های آنها توسط سنت‌های پیش از اسلام تقویت می‌شود. تسخیر روسیه و حل و فصل بسیاری از گروه‌های مسیحی در شمال آسیای مرکزی موجب تضعیف بیشتر نقشه هویت، در منطقه شده است، که در مقایسه با نقطه‌های اتکای هویت، به مراتب کمتر مذهبی باقی می‌مانند.

هویت‌های مذهبی منطقه به شدت تحت تأثیر سیاست‌های بی‌خدایی اتحاد جماهیر شوروی و همچنین ایجاد هویت‌های ملی، در مقابل هویت‌های مذهبی بود. همه شهروندان خود را با «ملیت»، همراه با هویت قومی که روی مرزهای دولت قرار می‌گیرند، تصدیق کرده و به آن تعلق دارند. با این حال، هر چند که با حضور دین و فرهنگ اسلامی دچار رنج شده‌اند؛ اما اسلام اغلب مهم‌ترین نقطه شناسایی است. فرایند استالینیزاسیون در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ جمهوری‌های آسیای میانه به نحوی هویت خود را دوباره زنده ساختند و دوباره میراث تاریخی خود را که منعکس‌کننده میراث مشترک و وحدت بخش بود، به دست آوردند.

پس از استقلال، اسلام نقطه مرجع هویت مورد نیاز است که نخبگان مشروعیت جدید خود را بر آن متمرکز می‌کنند.

در عین حال، اسلام به شدت تحت کنترل بود و سکولاریسم در قانون اساسی ترکمنستان و قزاقستان آشکارا دیده می‌شد. در تلاش برای بازسازی هویت‌های ملی بدون در نظر گرفتن مرزهای اتحاد جماهیر شوروی، گذشته‌های قرون وسطی و اسلامی این منطقه عنوان مولفه‌ای از هویت جدید مورد بهره‌برداری و ارزیابی قرار گرفت، به این ترتیب می‌توان بر تقسیمات قومی و گروهی غلبه کرد

. برای مثال، در ازبکستان، تاملان دوباره احیا شد و سپس به قهرمانی تبدیل شد که نمادی از وجدان و هویت جدید ازبک گردید. در حال حاضر تاریخ ملی در تاجیکستان، بر آرمانی کردن مقاومت فرهنگ ایرانی و گسترش بی نظیر ترکیه در آسیای مرکزی متکی است. حذف بسیاری از واژه های روسی از واژه های زبان های ملی و سیاسی شدن تکیه گاه و مرجع فرهنگی، دست به دست هم دادند تا کلمات عربی یا در مورد تاجیکستان کلماتی با منشاء فارسی، جایگزین شوند. در دهه ۱۹۹۰ میلادی، تمایز قابل ملاحظه ای در اسلام با افزایش کلی شیوه های مذهبی وجود داشت، هر چند که آن ها عمدتاً یک موضوع شخصی هستند که به امور خصوصی یا خانوادگی محدود می شود. با این وجود، تقسیمات قومی، گروهی و منطقه ای سنتی ماندگار شده و بعضی اوقات تهدیدی برای ثبات منطقه ای تهدید شده اند. حس هویت قومی همراه با هویت قبیله ای و منطقه ای، به ویژه در ازبکستان تقویت می شود (Advisory Committee for the World Report on Cultural Diversity, 2008: 55-57)

در اغلب اوقات، رویدادهای گفتگو محور به هویت های جمعی (ملی، قومی، مذهبی) بیش از هویت افراد یا گروه های اجتماعی توجه دارند. فدراسیون گفتگو که از نمایندگان گروه های مذهبی یا قومی مخالف گفتگو تشکیل شده به جای جلوگیری و برخورد سلبی با آن، به سناریوی برخورد تمدن ها کمک می کند. گفتگو بین فرهنگ ها برای درک متقابل و قدردانی از هویت های فرهنگی همزمان، چندگانه و پویای هر گروه، اجتماعی یا فرهنگی باید فضایی ایجاد کند (Advisory Committee for the World Report on Cultural Diversity, 2008: 60)

#### ۴- مطالبات زبانی

زبان ها یک نشانگر حیاتی از نیروی انسانی تنوع فرهنگی هستند؛ زیرا آنها - و از سوی دیگر ابزار ارتباطات - منشوری است که از طریق آن افراد و جوامع، روابط و محیط زیست خود را درک می کنند و معنی می دهند. از این منظر، هرگونه شکل از زوال زبانی باید به عنوان نشانه ای از فقر فرهنگی و ناپدید شدن هر زبان به عنوان یک ضرر غیرقابل جایگزین برای میراث فرهنگی مشترک انسان است. در حالی که جهانی شدن، که با تسلط چند زبان به اصطلاح بین المللی بر بقیه، مشخص می شود، ممکن است تأثیر منفی بر زبان های محدودتر داشته باشد؛ به طور متناقض، گسترش شبکه های دیجیتال گاهی اوقات به احیای زبان های مرده می انجامد. در واقع، کاهش نفوذ و گستره ای یک زبان، نتیجه وضعیت سیاسی، اجتماعی، اداری و فرهنگی است (Advisory Committee for the World

## ت- مهاجرت‌های بین‌المللی و پیشنهادات MOST

به مهاجرت از دو جنبه می‌توان نگاه کرد. مهاجرت می‌تواند منجر به افزایش فرصت‌ها و رفاه شود یا سبب محرومیت و آسیب‌پذیری؛ اما در این جا به مهاجرت به عنوان فرصتی نگریده می‌شود که می‌تواند سهمی در توسعه داشته باشد. وزارت امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (UNDESA, 2012)، تمایل کمتری دارد که بین مهاجرت و توسعه تمایز قائل شود بلکه معتقد است؛ مهاجرت بین‌المللی سبب از بین رفتن بالقوه نیروی کار ملی می‌شود. مهم‌تر از همه، مهاجرت بین‌المللی می‌تواند مزایای مهمی برای توسعه کشور داشته باشد. این امر دارای پتانسیل بسیار قابل توجهی از استراتژی‌های توسعه معیشتی، برای جوامع کم درآمد است و می‌تواند به طور مستقیم از طریق پرداخت پول به کاهش فقر در سطح فردی کمک کند (MOST program, migration 2017, 2).

سیاست‌های توسعه بر الگوهای مهاجرت در سطح فردی یا خانوادگی تاثیر می‌گذارند. بدیهی است که سیاست‌ها، جریان مهاجرت و تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی را شکل می‌دهند و تاثیرات متفاوتی بر انواع مختلف فرد مهاجر دارند. مهم‌تر از آن سیاست‌های غیرمهاجرتی مانند سیستم‌های کار، بهداشت و مزایا نیز دینامیک مهاجرت را شکل می‌دهد و در بسیاری از موارد می‌تواند تاثیر گذارتر از هدفمندی قانون باشد.

دومین اجلاس UNHLD ۲۰۱۴GHFM پس از ۲۰۱۵ بر ضرورت ادغام تحرکات انسانی در دستور کار توسعه تاکید دارد. در کنار این ادغام، کل فرایند اهداف توسعه پایدار، بحث‌های جهانی در مورد مهاجرت و توسعه را به سمت یک رویکرد مبتنی بر حقوق پذیرفته شده برده است که به ارتباط بین مهاجرت و سه ستون توسعه پایدار پاسخ می‌دهد؛ مثلا اعلامیه یورن برای پناهندگان و مهاجران، که در سپتامبر ۲۰۱۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد، بر این موضوعات تاکید می‌کند: "پیشگیری و حل صلح‌آمیز مناقشات، تلاش‌های انسان‌دوستانه بیشتر، توسعه و ایجاد صلح، ارتقاء حاکمیت قانون در سطوح ملی و بین‌المللی و حمایت از حقوق بشر". بنابراین جامعه بین‌المللی "مسئولیتی مشترک برای مدیریت جنبش‌های بزرگ پناهندگان و مهاجران در روشی انسانی" تاکید دارد (بند ۱۱).

## ۱- توسعه پایدار در جهت مدیریت مهاجرت

این تحولات تأکید می‌کند که مهاجرت تنها در مرزهای اتحادیه اروپا قابل مدیریت نیست (Higazi, 2005: ۲) باید علل اصلی مهاجرت در کشورهای مبدا و مقصد مورد توجه قرار گیرد؛ از جمله: فقر، بی‌ثباتی، به حاشیه رانده شدن و محرومیت و فقدان توسعه و عدم فرصت‌های اقتصادی، برای جمعیت آسیب پذیر.

علاوه بر این، حتی رویکرد صرفاً بشردوستانه به مهاجرت در جنبش‌های گسترده در شرایط اضطراری، کافی نیست. در حقیقت به صراحت مشخص شده است که مهاجرت یک چالش برای سیاست (خط مشی) توسعه است. همانطور که در پاراگراف ۴۳ اعلامیه نیویورک آمده است، جامعه بین‌المللی متعهد به "همکاری برای ایجاد شرایطی است که جوامع و افراد را قادر می‌سازد در صلح و رفاه در سرزمین‌های‌شان زندگی کنند. مهاجرت باید یک انتخاب باشد، نه یک ضرورت. ما اقدامات دیگری را برای اجرای برنامه توسعه پایدار ۲۰۳۰ که اهداف آن عبارت‌اند از ریشه کنی فقر و نابرابری شدید، احیای مشارکت جهانی برای توسعه پایدار، ترویج و بسط جوامع مسالمت آمیز و فراگیر، براساس حقوق بین‌الملل و حاکمیت قانون، ایجاد شرایط برای رشد اقتصادی و اشتغال متعادل، پایدار و فراگیر، مبارزه با تخریب محیط زیست و تضمین پاسخ‌های موثر به بلاهای طبیعی و تأثیرات نامطلوب تغییرات اقلیمی"، در نظر داریم.

همکاری در زمینه توسعه پایدار به طور ایده آل نباید به سمت مهاجرت یا محدود کردن مهاجرت باشد، بلکه باید به سمت کاهش فشارهای انسانی باشد، که به نوبه خود، سیاست را به مدیریت اداری و قانونی و منظم مهاجرت تغییر می‌دهد. توسعه منابع انسانی به این معنی است که مهاجرت بیشتر باشد و انتخاب‌ها کمتر از روی فشارها و اضطرارها باشد و فراتر از آن، دستور کار توسعه ۲۰۳۰ همچون راهی برای هدایت به سمت تحرک توسعه مدرن و فراملیتی در کشورهای مبدا، ترانزیت و مقصد است.

ماموریت عمومی برنامه MOST که به طور مداوم برای تقویت ارتباط بین پژوهش و سیاست است، نیاز به حمایت و درک ذینفعان سیاسی دارد تا بدانند چگونه درک روش‌شناختی از اشکال و الگوهای مختلف مهاجرت می‌تواند سیاست‌های مناسب‌تری را در قبال این موضوع اتخاذ کنند (MOST program, migration 2017, 5).



## ث - نتیجه‌گیری

جهان تحت تاثیر جهانی شدن در حال تحولات اجتماعی مهمی است؛ از جمله تغییرات زیست محیطی، بحران‌های اقتصادی و مالی، دگرگونی‌های فرهنگی و زبانی و مهاجرت‌های بین‌المللی و... که منجر به افزایش نابرابری، فقر شدید، محرومیت و انکار اولیه حقوق بشر شده است. این تحولات بارز منجر به راه حل‌های نوآورانه در جهت صلح، کرامت انسانی، برابری جنسیتی و عدم خشونت و عدم تبعیض و... شده است بدین منظور برنامه‌ی مدیریت تغییرات اجتماعی (MOST) یونسکو و شورای بین‌دولتی (IGC) محرک‌های منحصر به فردی برای پیشبرد ابتکار ظرفیت‌سازی جامع در زمینه تحولات اجتماعی و ایجاد پل‌هایی بین دانش علم اجتماعی، خط مشی عمومی و اجرای آن در جامعه هستند.

بنابراین از ویژگی‌های برنامه MOST بین‌دولتی بودن و پیوند دانش و سیاست است؛ زیرا برای سیاست‌گذاری و مدیریت صحیح و اصولی دگرگونی‌های اجتماعی باید مبنا و پشتوانه‌ی نظری و علمی باشد تا مدیریتی هدفمند و کارا انجام شود. از آنجایی که کشورهای اسلامی یا در حال توسعه هستند یا هنوز در مسیر توسعه قرار نگرفته‌اند؛ لذا ضروری است با این برنامه بین‌المللی که پایه‌های علمی نیز دارد، همکاری داشته و تلاش کنند این برنامه‌های پیشنهادی را بومی‌سازی نموده و آن را منطبق با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی خود عملیاتی کنند.

## منابع

### الف - منابع فارسی

- التیامی‌نیا، رضا (۱۳۹۴). «جهان‌بینی سلطه‌گرایی مدرنیته و ارتباط آن با بحران‌های محیط زیستی در جهان». فصلنامه انسان و محیط زیست. شماره ۳۳، ص ۸۴.
- بیات، عبدالرسول و دیگران (۱۳۸۶)، فرهنگ واژه‌ها، چاپ سوم، قم: اندیشه و فرهنگ اسلامی.
- بی‌نا (۱۳۸۹). «چالش‌های جهان اسلام»، ماهنامه پیام انقلاب، سال چهارم، شماره ۳۷، ص ۶۰.
- جفری، دی ساکس (۲۰۰۵). سرمایه‌گذاری در توسعه: برنامه‌ای عملی برای دستیابی به اهداف

توسعه هزاره. ترجمه‌ی گروه مترجمان. ویراستار: سعید نوری نشاط. تهران: دفتر هماهنگ کننده سازمان ملل متحد در ایران با همکاری انتشارات برگ زیتون.

- جاسبی، عبدالله (۱۳۸۱). *کلیاتی پیرامون جهانی شدن*، چاپ اول، تهران: دفتر فرهنگ مقاومت.
- جولیس گولد و ویلیام ل. کولب (۱۳۸۴). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه جمعی، تهران: مازیار.
- شارون، جوئل، (۱۳۸۴)، *ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، منوچهر صبوری*، چاپ چهارم، تهران: نشرنی.
- عسگرخانی، ابومحمد؛ بابایی، محمود (۱۳۹۱). «امنیت هستی‌شناختی و مسائل امنیتی خلیج فارس بعد از انقلاب اسلامی ایران». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. سال دوم. شماره چهارم. صص ۱۷۳-۱۵۴.
- کوئن، بروس (۱۳۸۳). *درآمدی به جامعه‌شناسی*، محسن ثلاثی، تهران: انتشارات توتیا.
- گی، روشه (۱۳۸۵). *تغییرات اجتماعی*، منصور وثوقی، چاپ هجدهم، تهران: نشر نی.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۶). *جهانی شدن، فرهنگ، هویت*، چاپ سوم، تهران: نی.
- نهایندیان، محمد (۱۳۸۳). *ما و جهانی شدن*، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات زندگی.

#### ب- منابع انگلیسی

- Brook, David (2007). *Fresh water in the middle East and North Africa*. , pp 32-59.
- The World Report benefited greatly from intellectual advice and guidance provided by an external advisory panel of Eminent experts Neville Alexander (South Africa), Arjun Appadurai (India), Lourdes Arizpe (Mexico), Lina Attel (Jordan), Tyler Cowen (USA), Biserka Cvjetičanin (Croatia), Philippe Descola

(France), Sakiko Fukuda-Parr (Japan), Jean-Pierre Guingané (Burkina Faso), Luis Enrique López (Peru), Tony Pigott (Canada), Ralph Regenvanu (Tuvalu), Anatoly G. Vishnevsky (Russian Federation), Mohammed Zayani (Tunisia), Benigna Zimba (Mozambique) Investing in Cultural Diversity and Intercultural Dialogue: Advisory Committee for the World Report on Cultural Diversity. 2008 (download from unesco site)

- El Naggari, Dina (2008). *Environment in middle east and north Africa*. World bank. April.
- Tolba, M. K.; Saab, N. (2008). *Arab environment Future challenges*. Arab Forum for Environment and Development.

#### پ- منابع دیجیتالی

- مایکل، دیوید؛ پان‌دیا، آمیت؛ سوئیل، گوری (۲۰۱۰)، «همکاری علمی، فکری و حکومتی در جهت رویارویی با چالش‌های زیست محیطی در حال ظهور در جهان اسلام»، سایت مشرق نیوز، ۱۳۹۰/۴/۷، <https://www.mashreghnews.ir>. کد خبر: ۵۴۴۰۰
- [www.unesco.org](http://www.unesco.org), 2016. MOST (Management Of Social Transformation 2016-2021) programme.